

رساله کندی درباره یافتن گنج زیر خاک*

چارلز برنت، کیجی یاماموتو، میچیو یانو
ترجمه زینب کریمیان^۱

مقدمه مترجم

ابو یوسف یعقوب بن اسحاق بن صباح کندی (۱۸۵-۲۵۲ق) مشهور به فیلسوف عرب، صاحب آثار متعددی در زمینه‌های مختلفی همچون طبیعیات، ریاضیات، فلسفه، زبان‌شناسی، نجوم، نورشناخت، پزشکی و موسیقی بوده است. او ابتدا ساکن بصره بود و سپس در بغداد علوم مختلفی فراگرفت و جایگاه برجسته‌ای نزد خلفای عباسی یافت. نظریه‌های کندی درباره پرتو نور یکی از گام‌های مهم و اساسی در تاریخ نورشناخت به حساب می‌آید. موضوع رساله کندی درباره یافتن گنج، همچون سایر علمی که آنها را علوم خفیه می‌خوانیم (احکام نجوم، کیمیا و ...) از نظر دانش امروزی قابل تأیید نیست و معرفی آن، تنها به منظور نشان دادن وجود چنین رسائلی در دوره اسلامی است که با مباحث علمی فصل مشترکی داشته‌اند.

مقدمه

روش‌هایی برای یافتن گنج زیر خاک، اغلب در دوره اسلامی و اروپای غربی پرتطرفدار بوده است. چندین داستان در هزار و یک شب درباره جستجوی گنج، شامل طیف وسیعی از اعمال جادویی و غیبی است. بسیاری از این داستان‌ها در مصر آغاز می‌شوند که در آن تصویری واقعی از یافتن هدایای گرانبها در مقبره فراعنه موجود بود. چنین کاوشی به ظهور گروهی از گنج‌جویان حرفه‌ای و آثار ادبی قابل ملاحظه‌ای انجامید. طالع‌بینان نیز در پاسخ به چنین مطالبه‌ای بیکار نماندند و مقالاتی در چندین کتاب راهنمای طالع‌بینی و حتی رسائلی مستقلی در این باره نوشته شد. در میان آنها مقالاتی در معرفه استخراج الكنز والدفین و في معرفة الظفر بالکنز والدفین از رساله مسائل في احکام النجوم عمر بن فرخان و مقالات پنجم (في الدفین والکنوز) و هفتم (آخر في الدفین) کتاب ماشاءالله در نسخه

* این مقاله ترجمه‌ایست از:

Charles Burnett, Keiji Yamamoto and Michio Yano, "Al-Kindi on Finding Buried Treasure", *Arabic Science and Philosophy*, vol. 7, 1997, pp. 57-90.

۱. کارشناس ارشد تاریخ علم، پژوهشکده تاریخ علم دانشگاه تهران، karimian.zeinab@gmail.com

استانبول، لاله‌لی ۲۱۲۲، نوشته مستقل دیگری از ماشاءالله به نام فصل في الخبايا والدفون، مقاله‌ای از شاگرد ماشاءالله، ابو علی خیطاط درباره گنج یا دفینه در کتابش به نام المسائل، اثری به نام مسائل عن الدفائن والکنوز والخبايا والأعمال از ابوالحسن بن ابی الخصب کوفی و رساله‌ای از مؤلفی ناشناس در پنج مقاله با عنوان رساله في أمر الدفين موجودند. در مقاله حاضر، آثاری درباره این موضوع از فیلسوف عرب، یعقوب بن اسحاق کندی، که در اواسط قرن نهم (سوم هجری) در بغداد می‌زیست، بررسی می‌شود.

کندی بیشتر آثارش را درباره علوم طبیعی، فلسفه و کلام در قالب رسائل کوتاهی نگاشته است. در میان رسائل احکام نجوم او، رساله کوتاهی هست درباره امکانی که گمان می‌رود چیزی - گنج یا چیز دیگر - در آن مدفون باشد. متن کاملاً مشابهی در مقاله‌ای از رساله مفصل کندی در احکام نجوم به نام چهل باب (الأربعون باباً) دیده می‌شود. هم‌پوشانی میان این دو متن از اینجا معلوم می‌شود که طالع‌بینان بعدی به هنگام نقل قول از کندی درباره گنج زیر خاک، گاهی عبارتی نزدیکتر به رساله کوتاه کندی و در مواقع دیگر عبارتی نزدیکتر به مطلب موجود در رساله چهل باب را به کار می‌بردند. مثلاً قصرانی که رساله المسائل في علم احکام النجوم را اندکی پس از ۸۹۲م نوشت، مقاله‌ای را به گنج زیر خاک اختصاص داده که دقیقاً بر مبنای رساله کوتاه کندی نوشته شده است. اما کتاب البارع از علی بن ابی الرجال (قرن ۱۱م) متأثر از رساله چهل باب بوده است. در مقاله حاضر هر دو متن ویرایش و ترجمه شده است.

دو ترجمه لاتینی از رساله چهل باب موجود است. یکی از آنها به دست هوگوی سانتالایی^۱، احتمالاً در دهه ۱۱۴۰م و در تارازونای اسپانیا صورت گرفته که به عنوان اثری در مختصری از سه رساله درباره آراء احکام نجوم جای داشته و بعداً هم در اثری از نه نویسنده گنجانده شده است. ترجمه لاتینی دیگر تقریباً در همان زمان و جایی در سواحل ایرو در شمال اسپانیا توسط شخصی به نام رابرت کتونی^۲ صورت پذیرفته است. رابرت این رساله را به اصرار دوست مترجم خود، هرمان کاریتتایی^۳، ترجمه کرد و به دنبال آن، هرمان در فصلی درباره گنج زیر خاک، ترجمه رابرت را برای گنجاندن در گزیده متونی درباره یافتن اشیاء مفقود (*De occultis*) انتخاب کرد.^۴

اصول توضیح داده شده در تمام این متون مشابهند:

۱) ابتدا شخص باید شمعی درباره اینکه گنجی در مکانی خاص مدفون شده، داشته باشد. در رساله کوتاه کندی، این مکان به طور خاص یک بناست. اما در رساله چهل باب، مکان به صورت کلی در نظر

1. Hugo of Santalla
2. Tarazona
3. Robert of Ketton
4. Hermann of Carinthia

۵. برای اطلاع از نسخه‌های خطی ترجمه‌های لاتینی، به صفحات ۶۳-۶۴ اصل مقاله مراجعه شود.

گرفته شده است. برای اینکه معلوم شود آیا شم کسی درست است، شخص به دنبال سعد در طالع می‌گردد (البارع می‌افزاید: یا یکی از اوتاد^۱). اگر آن را یافت، گنج همانجاست و ارزش آن را می‌توان از طریق قدرت سعد معلوم کرد (که پس از آن به عنوان «نشانگر» گنج در نظر گرفته می‌شود که در عربی «دلیل» و در لاتینی 'dux' نامیده می‌شود).

۲) سپس باید بدانید که آیا امیدی برای یافتن گنج وجود دارد یا نه. اگر صاحب طالع و ماه هر دو در اتصال^۲ یا قبول^۳ با دلیل باشند، که قبلاً حاکی از وجود گنج بود، آنگاه گنج را خواهید یافت.

۳) اینها مقدمات ضروری برای روندی مشروح است که لزوماً شامل ترسیم نمودار طالع‌بینی در محدوده مکانی است که می‌دانیم گنجی در آن نهفته است. سپس طول [دایرة البروجی]، عرض و [زاویه] ارتفاع دلیل را به ترتیب محاسبه می‌کنیم. موقعیت دلیل با موقعیت گنج معادل خواهد بود. ابتدا دوازده خط که نشان‌دهنده رثوس دوازده خانه (احکام نجومی) است، از مرکز محدوده رسم می‌شود. در مورد بنا، این نقطه مرکزی با تقسیم آن بنا به دو قسمت توسط خطی از در آن بنا، سپس رسم خط دومی عمود بر خط اول که آن را در نقطه میانی اش قطع کند، مشخص می‌شود. نقطه طالع در مورد بنا [همان] در است و در سایر مناطق، شرقی‌ترین نقطه به صورت کلی‌تر توضیح داده شده در چهل باب است.

پس از ترسیم این نمودار طالع‌بینی، مکان دلیل را در نمودار مشخص می‌کنیم. چنانچه اصل (۱) فوق را دنبال کنیم، این [مکان] باید در طالع (اولین خانه) قرار داشته باشد. اما دلیل در رساله کوتاه کندی به‌صراحت و در چهل باب به‌طور ضمنی در مکان‌های دیگری در نظر گرفته شده است. با معلوم کردن مکان سیاره به کمک برج‌ها و درجات، می‌توان مکان دلیل را در خانه احکام نجومی کشف کرد و مکان معادل را در نمودار آن محدوده، جایی که گمان می‌رود گنج در آن مخفی باشد، یافت. در مورد رساله چهل باب، این امر با تقریب - یک‌سوم یا یک‌چهارم خانه - صورت گرفته است. اما در رساله کوتاه، [مکان] معادل با درجه دقیق سیاره در منزلش پیدا می‌شود. سپس خطی از مرکز بنا یا محدوده به نقطه‌ای که نمایان‌گر مکان سیاره است، ترسیم می‌شود و گنج جایی بر روی آن خط قرار دارد.

۴) برای یافتن مکان گنج بر روی این خط، عرض نشانگر را در نظر می‌گیریم. خط را به دو نیمه تقسیم می‌کنیم. نقطه مرکزی معادل است با مدار دایرة البروج که عرض سیاره در آن صفر درجه است.

۱. اوتاد= جمع وتد. وتد به خانه‌های اول (طالع)، چهارم (وتد الارض)، هفتم (غارب) و دهم (وتد السماء) از خانه‌های دوازده‌گانه دایرة البروج گفته می‌شود. در واقع اوتاد محل‌های برخورد دایرة البروج با دو دایرة عظیمه افق و نصف‌النهار است.

۲. اتصال دو جرم آسمانی یعنی اینکه در حالت مقارنه یا مقابله باشند یا فاصله آنها ۶۰ یا ۹۰ یا ۱۲۰ درجه باشد.

۳. قبول آن بود که [سیاره] سفلی به جایی باشد که بهره [سیاره] علوی بود و چون بدو پیوند از آن بهره خویشتن او را نماید تا او را پذیرد (التفهیم، تصحیح جلال‌الدین همایی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ص ۴۹۵).

منتهی‌الیه آن نیز به ترتیب معادل است با منتهی‌الیه عرض سیاره به سمت شمال (جایی که خط با مرکز بنا یا محدوده تلاقی می‌کند) و به سمت جنوب (جایی که خط، لبه بنا یا محدوده را قطع می‌کند). برای مثال، اگر بیشترین مقدار عرض سیاره‌ای 5° باشد (که به هنگام بیشترین میزان عرض ماه اتفاق می‌افتد) و اگر آن سیاره [در فاصله] 5° شمال دایرة البروج قرار داشته باشد، مکان گنج جایی است که خط مرکز آن بنا یا محدوده را قطع می‌کند. اما اگر آن سیاره [در فاصله] 5° جنوب دایرة البروج باشد، مکان گنج در انتهای دیگر خط است. اگر عرض همان سیاره [در فاصله] 2° شمال باشد، گنج در فاصله دو پنجم نقطه مرکزی خط تا مرکز بنا یا محدوده قرار دارد. این بار نیز رساله چهل باب از نسبت‌ها (یک سوم یا یک پنجم بیشینه عرض سیاره) به جای درجات صحبت می‌کند.

۵) عمق گنج در زیر زمین به کمک ارتفاع نشانگر مشخص می‌گردد. در این قسمت هیچ اندازه‌گیری دقیقی به کار نمی‌رود و تنها عمق نسبی میان سنگ بستر نفوذناپذیر یا آب‌های زیرزمینی و سطح زمین مورد نیاز است.

۶) سرانجام زمان استخراج گنج باید مشخص شود و آن وقتی است که ماه به همراه صاحب طالع آن ساعت در اتصال یا قبول با نشانگر باشند و [زمان] مساعد را نشان دهند.

در کل رساله کوتاه کندی مشروح‌تر و دقیق‌تر از رساله چهل باب اوست. در رساله کوتاه، روند کار با یک نمودار به کمک حروف توضیح داده شده که بسیار راهگشاست و از درجات به جای نسبت‌های تقریبی استفاده شده است. احتمال دارد کندی در باب موجود در رساله چهل باب کوشیده باشد روند توصیف شده در رساله کوتاه را (که تنها برای گنجی مدفون در بنا به کار می‌رود) خلاصه، جمع‌بندی و ساده کند. در جمله «۱۲» چهل باب به جای [واژه] «موضع» به «دار» (به معنی خانه) اشاره شده که ممکن است ناشی از بی‌توجهی باشد.

ترجمه لاتینی دقیق نیست، اما تفسیر نسبتاً دقیقی از متن عربی عرضه می‌کند که امکان استفاده از روش کندی را برای طالع‌بینان غربی، حداقل تا قرن ۱۷م که ویلیام لیلی^۱ ترجمه رابرت کتونی را برای [انتشار] نوشته مشهور انگلیسی خود، یعنی طالع‌بینی مسیحی^۲ (لندن، ۱۶۴۷م) ربود، فراهم کرد.

۱- رساله کوتاه کندی

رساله فی المواضع التي یظن أنّ الدفین فیها من کنز أو غیره، تنها در یک نسخه یافت می‌شود: آکسفورد، کتابخانه بودلیان، نسخه مارش ۶۶۳، ص ۷-۱۹۶ (۶۴۰هـ.ق.=۱۲۴۲م). فرانتس روزنتال این رساله را

1. William Lilly
2. Christian Astrology



به اختصار معرفی کرده^۱ و فؤاد سزگین آن را در فهرست خود آورده است.^۲ نسخه خطی مارش شامل مجموعه آثاری در نجوم، احکام نجوم، هندسه، پزشکی و موسیقی است. آثار دیگری در این نسخه خطی نیز از کندی یا منسوب به اوست: (۱) رسالة في عمل الساعات في صفيحة تنصبوا على سطح مواز للأفق (رساله‌ای درباره تعیین ساعات توسط ساعت آفتابی نصب شده بر صفحه‌ای به موازات افق)، ص ۵-۱۹۰، منسوب به کندی. (۲) رسالة في عمل الصفيحة الجامع (رساله‌ای درباره استفاده از اسطرلاب مسطح جامع) ص ۲۰۵ (و بعد). (۳) كتاب المصونات الوترية من ذات الوتر الواحد إلى ذات العشر الاوتار (کتاب سازهای زهی از [سازهای] دارای یک تار تا [سازهای] دارای ده تار). این رساله‌ها همگی به خط نسخ پاکیزه‌ای نوشته شده‌اند و رساله کوتاه [مورد بحث] ما شامل نمودار دقیقی است. با این حال، این رساله خالی از اشکال نیست. خوشبختانه تقریباً تمامی این رساله به عنوان فصلی در کتاب المسائل في علم احکام النجوم قصرانی (بعد از ۸۹۲م) به چشم می‌خورد و تمام رساله کوتاه با متن کتاب قصرانی، [موجود] در نسخه استانبول، حمیدیه ۸۲۲، برگ‌های ۷۴-۷۵ مقابل شده است.

۲- باب موجود در رساله چهل باب

رساله چهل باب کندی تنها در یک نسخه خطی در کتابخانه خالدی اورشلیم، به شماره ۲-Astr. - ۲۱(۲) به صورت کامل موجود است. باب مربوط به گنج مدفون، به شماره ۳۵ صفحه پشت برگ نوزدهم و صفحه روی برگ بیستم از رساله چهل باب است. متن رساله ناخواناست و ظاهراً بی‌دقت رونویسی شده و افتادگی‌های زیادی دارد. خوشبختانه رساله کندی به دفعات استنساخ شده و رونوشت دقیقی از این باب در کتاب البارع علی بن ابی الرجال (قرن ۱۱م) موجود است. ما از نسخه‌های برلین، آلوارت ۵۸۹۲، برگ‌های ۳۲-۳۳ پ و لندن، کتابخانه بریتانیا، افزونه ۲۳۳۹۹، برگ‌های ۴۱-۴۲ پ برای اصلاح نسخه کتابخانه خالدی استفاده کرده‌ایم.

۳- رساله کوتاه کندی

- [۱] به نام خداوند بخشاینده مهربان. پروردگارا مرا با یاری خود کمک کن.
- [۲] ابو یوسف یعقوب بن صباح کندی درباره مکان‌هایی که گمان می‌رود در آن دینه‌ای مانند گنج و غیره باشد، چنین می‌گوید:
- [۳] اگر بخواهی بدانی که آیا در خانه، گنج یا چیز دیگری پنهان است یا نه، طالع و اوتاد را تعیین کن.
- [۴] اگر در طالع، سعدی یافتی، در آنجا گنج یا چیز دیگری پنهان است و به اندازه قدر سعد و قوت و ضعف آن، ارزش دارد.

1. Rosenthal, Franz, "From Arabic Books and Manuscripts II: Kindiana", *Journal of the American Oriental Society*, 69 (1949), pp. 149-150.
2. GAS, VII, p. 133, no. 15.

- [۵] اما اگر آن سعد در اثر نحس قوی منحوس باشد، وجود گنج منتفی است و از آنجا برداشته شده یا بیشترش برداشته شده است.
- [۶] اگر آن سعد مسعود باشد، گنج همانجاست.
- [۷] اگر می‌خواهی بدانی آیا خواهان گنج بدان دست می‌یابد یا نه، به صاحب طالع و قمر بنگر.
- [۸] اگر میان این دو و سعدی که دلالت بر گنج یا دفینه می‌کند اتصال یا قبول برقرار باشد، دسترسی به آن حاصل می‌شود.
- [۹] در غیر این صورت خلاف آن خواهد بود.
- [۱۰] چون دانستی موفقیت حاصل می‌شود، خطی ترسیم کن که در خانه را به دو نیم تقسیم کند و ادامه آن موجب تقسیم خانه به دو قسمت شود.
- [۱۱] سپس وسط خط را تعیین و خطی عمود بر آن چنان رسم کن که همه خانه را قطع کند.
- [۱۲] آنگاه هر یک از این چهار زاویه قائمه را به کمک خطوط مستقیم به سه زاویه مساوی تقسیم کن چنان که تا منتهی‌الیه خانه ادامه یابد.
- [۱۳] سپس بنگر به نشانگری که همان سیاره سعد است و در طالع یا یکی از اوتاد بوده و در طالع خطی برایش منظور شده است.
- [۱۴] اگر در طالع، نشانه‌ای از سعد نبود، آنگاه فاصله میان سعد و درجه طالع را پیدا کن.
- [۱۵] سپس تعداد اقسام دوازده‌گانه و درجات آنها را که هر زاویه آن برابر سی درجه است، شمارش کن. این شمارش باید به هنگام ورود از در خانه در سمت چپ قرار گیرد و خطی که شمارش به آن می‌رسد، همان خطی است که از روی جایگاه گنج عبور می‌کند.
- [۱۶] و اگر آنچه را که از آن راهنمایی گرفته‌ای، سعدی است که نزدی باشد یا اوتاد یا در طالع باشد، چون این خط طولی را یافتی، آن را به دو نیم تقسیم کن.
- [۱۷] سپس هر یک از آن دو نیم را به تعداد تمام درجات عرض آن سیاره تقسیم کن.
- [۱۸] اگر عرض آن در شمال باشد، از نقطه‌ای که خط به دو نیم تقسیم می‌شود، که نشانه مدار خورشید است، اجزاء عرض را به اندازه عرض آن سیاره در زمانی که از مرکز خطوط تقسیم‌کننده بروج عبور می‌کند، بشمار.
- [۱۹] و اگر [عرض] جنوبی باشد، از نقطه‌ای که مدار خورشید است تا انتهای خانه را به اندازه درجات عرض سیاره در نظر می‌گیریم. نقطه‌ای که در منتهی‌الیه آن قرار دارد، همان مکان گنج است.
- [۲۰] اگر فاقد عرض بود، عیناً در مدار خورشید قرار دارد.
- [۲۱] آنگاه به میزان حضيض سیاره در فضا و سپس اوج آن از سطح زمین توجه کن. اگر سیاره در بیشترین میزان اوج خود باشد، آن گنج یا دفینه در نزدیکی سطح زمین قرار دارد.

[۲۲] و اگر سیاره در پایین‌ترین حد حضيضش باشد، هم سطح آب قرار دارد.

[۲۳] و اگر میان آن دو باشد، پس نیازمند محاسبه است.

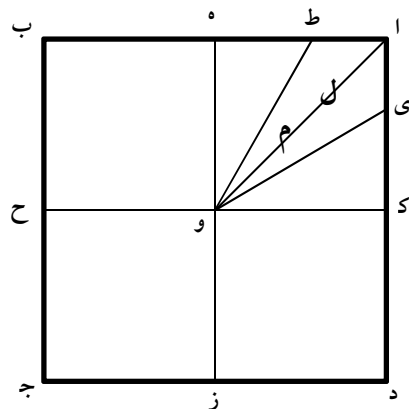
[۲۴] برای مثال اگر خانه به شکل مربع $\overline{ابجد}$ باشد و وسط در خانه را نقطه $\overline{ه}$ فرض کنیم و خطی که خط $\overline{اب}$ را به زوایای قائمه تقسیم می‌کند، خط $\overline{هز}$ بگیریم و نشانه‌ای که خط $\overline{هز}$ را به دو نیم تقسیم می‌کند، $\overline{و}$ بدانیم و خط قاطع خط $\overline{هوز}$ که آن را با زوایای قائمه در نقطه $\overline{ق}$ قطع می‌کند، خط $\overline{حک}$ بنامیم، زاویه $\overline{هوک}$ سه برج را در بر می‌گیرد، زیرا زاویه $\overline{هوط}$ (نقطه $\overline{ط}$ بر روی خط $\overline{اه}$) و زاویه $\overline{طوی}$ (نقطه $\overline{ی}$ بر روی خط $\overline{اد}$) و زاویه $\overline{یوک}$ با هم برابرند و هر یک از زوایای یک برج را در بر می‌گیرد. نشانگر را ماه و فاصله آن تا طالع را ۴۵ درجه در نظر می‌گیریم. سپس از طرف چپ در، به اندازه ۴۵ درجه از سمت چپ طالع منظور می‌داریم. به همراه آن تمام زاویه $\overline{هوط}$ و نصف زاویه $\overline{طوی}$ را که همان زاویه $\overline{طوا}$ است، در نظر می‌گیریم و می‌گوییم دفینه روی خط $\overline{او}$ قرار دارد.

[۲۵] سپس خط $\overline{او}$ را در نقطه $\overline{ل}$ به دو بخش مساوی تقسیم می‌کنیم. فرض می‌کنیم نقطه $\overline{ل}$ مدار خورشید، و ماه نشانگر، و بیشترین مقدار عرض آن ۵ درجه است.

[۲۶] اگر هنگام بررسی مسئله، عرض آن در شمال به اندازه ۲ درجه باشد، از سمت نقطه $\overline{ل}$ به اندازه دو پنجم خط $\overline{لو}$ را در نظر می‌گیریم. در این صورت علامتی که از سمت $\overline{ل}$ ، دو پنجم را جدا می‌کند، نقطه $\overline{م}$ می‌گیریم و می‌گوییم مکان گنج در محل $\overline{م}$ است.

[۲۷] برای انتخاب زمان استخراج گنج باید ماه متصل به نشانگر مسعودی باشد و صاحب طالع آن وقت متصل به نشانگر مسعودی باشد و چنانچه هر دوی اینها برقرار باشد، به یقین نزدیک‌تر است. و جداً بپرهیز از اینکه در زمان استخراج گنج، اوتاد در نحوست باشند. زیرا در غیر این صورت، موانعی رخ می‌دهد که دسترسی به نتیجه را مختل می‌کند.

[۲۸] کلام به پایان رسید و حمد فراوان خداوندی راست که پروردگار جهانیان است.



شکل ۱: از متن موجود در رساله چهل باب

- [۱] باب سی و پنجم درباره جایگاهی که به نظر می‌رسد در آن دفینه‌ای مانند گنج و غیره باشد.
- [۲] اگر بخواهی بدانی که آیا در خانه، گنج یا چیز دیگری پنهان است یا نه، طالع و اوتاد را تعیین کن.
- [۳] اگر در طالع، سعدی یافتی، در آنجا گنج یا چیز دیگری پنهان است و به اندازه قدر سعد و قوت و ضعف آن، ارزش دارد.
- [۴] اما اگر آن سعد در اثر نحس قوی منحوس باشد، وجود گنج منتفی است و از مکان خود برداشته شده یا بیشترش برداشته شده است.
- [۵] اگر آن سعد مسعود باشد، گنج همانجاست.
- [۶] اگر می‌خواهی بدانی که آیا خواهان گنج بدان دست می‌یابد یا خیر، به صاحب طالع و قمر بنگر.
- [۷] اگر میان این دو و سعدی که دلالت بر گنج و دفینه می‌کند اتصال و قبول برقرار باشد، دسترسی به آن حاصل می‌شود.
- [۸] در غیر این صورت خلاف آن خواهد بود.
- [۹] هرگاه دانستی که گنج دست‌یافتنی است، پس آن مکان را از مرکز به اطرافش به دوازده بخش با زوایای مساوی، تقسیم کن.
- [۱۰] سپس از مرکز، خطی رسم کن که زاویه برجی را که در آن سیاره است، به اندازه‌ای که در برجش حرکت کرده است، تقسیم کند.
- [۱۱] اگر [سیاره] یک سوم آن را طی کرد، پس خط مزبور یک سوم زاویه را جدا می‌کند و اگر یک چهارم آن را پیمود، [خط] یک چهارم آن را [جدا می‌کند] که از مرکز رسم می‌شود و زاویه میان دو انتهای برج را به اندازه درجاتی که نشانگر گنج در برج می‌پیماید، تقسیم می‌کند. چنانچه یک سوم برج را پیموده باشد، خطی که زاویه برجی را که نشانگر در آن قرار دارد و آن را تقسیم می‌کند، در یک سوم آن قرار دارد.
- [۱۲] نقطه طالع، متناظر با شرق این خانه است و فاصله صاحب نشانگر از درجه طالع همان فاصله گنج از مشرق است.
- [۱۳] اگر خواستی بدانی که آیا [گنج] به مرکز خطی که بر روی آن قرار دارد نزدیک‌تر است یا به انتهای آن، خطی را که بر روی آن قرار دارد، به دو نیم تقسیم کن. آن علامت دایرة البروج می‌شود.
- [۱۴] سپس بنگر که آیا سیاره در عرض شمالی قرار دارد یا جنوبی.
- [۱۵] اگر عرض آن شمالی باشد، پس در سمت شمال آن علامت قرار دارد و مرکز آن در فاصله بیشترین مقدار درجه عرض آن سیاره واقع است. برای مثال اگر عرضش ۵ درجه باشد، آن خط را به پنج قسمت مساوی تقسیم می‌کنیم.
- [۱۶] اگر اندکی به سوی کمربند بروج مایل باشد، به اندازه آن از خط جدا می‌کنیم. اگر میزان این تمایل

به اندازه یک پنجم عرض باشد، از آن علامتی که بر روی کمر بند بروج قرار داشت، به اندازه یک پنجم از خطی که از مرکز تا علامت قرار دارد، می‌شماریم.

[۱۷] اگر در فاصله یک سوم آن بود، به اندازه یک سوم و هرچه بود، به همین نسبت [می‌شماریم].

[۱۸] اگر در جنوب قرار دارد، بر اساس اندازه‌اش در سمت جنوب [می‌شماریم].

[۱۹] اگر در شمال قرار دارد، بر اساس اندازه‌اش در سمت شمال [می‌شماریم].

[۲۰] اگر بر روی کمر بند بروج قرار داشت، و تمایل آن به سمت شمال و به سمت جنوب نبود، دفینه در مکان علامتی قرار دارد که خط را به دو نیمه تقسیم می‌کند.

[۲۱] سپس به نقطه اوج و حوض آن در فضا بنگر. بر این اساس، عمق گنج از سطح زمین معلوم می‌شود.

[۲۲] اگر در فاصله میانی قرار دارد، گنج در نیمه‌ای میان سطح زمین و صخره سنگی نفوذناپذیر یا آب قرار دارد.

[۲۳] اگر نقطه مزبور بالاتر یا پایین‌تر از فاصله میانی قرار داشت، ارتفاع گنج از آن مکان به همان اندازه‌ای است که پیش‌تر درباره آن توضیح دادیم.

[۲۴] برای انتخاب زمان استخراج گنج باید ماه متصل به نشانگر مسعودی باشد و صاحب طالع آن وقت متصل به نشانگر مسعودی باشد و اگر هر دوی اینها برقرار باشد، به یقین نزدیک‌تر است. و جداً پرهیز از اینکه در زمان استخراج گنج، اوتاد در نحوست باشند. زیرا در غیر این صورت، موانعی رخ می‌دهد که دسترسی به نتیجه را مختل می‌کند.